

عبدالرحمن بن محمد بن عبدالمطلب

سنة ١٠٠٠

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



شناخت مهدی موعود علی‌اشقی فرج‌الشریف

تأدیرگزاری جشن های میلاد حضرت مهدی عجالتاً
مسجد صدریه تهران

سرشناسه: هیئت تحریریه ستاد برگزاری جشن‌های میلاد حضرت
مهدی علیه السلام

عنوان: شناخت مهدی موعود علیه السلام

مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

شابک: ۰-۱۰۷-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

موضوع: مهدویت.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۷ ۴ ف ۲ ت / ۲۲۴ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۶۴۷-۸۴ م



شابک ۰-۱۰۷-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978 - 964 - 539 - 107 - 0

شناخت مهدی موعود

ستاد برگزاری جشن‌های میلاد حضرت مهدی علیه السلام

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: زنبق

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه ایسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۵۶/۲ تلفن: ۳۳۵۶۶۸۰۱ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>

پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: دارالکتب الاسلامیه، ۵۵۶۲۰۴۱۰ * نشر نیک معارف، ۶۶۹۵۰۰۱۰

نشر رایحه، ۸۸۹۷۶۱۹۸ * نشر آفاق، ۲۲۸۴۷۰۳۵ * پخش اینه، ۳۳۹۳۰۴۹۶

۱۳۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۱	عنوان اول: شناخت امام زمان <small>علیه السلام</small> و زندگانی او
۱۲	اول: مرجعیت دینی
۱۳	دوم: حکومت و زعامت سیاسی امت اسلامی
۱۴	سوم: ولایت معنوی
۱۶	اقسام حضور امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۶	اول: حضور علمی امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۷	دوم: حضور ولایی
۱۹	سه نتیجه شناخت امام <small>علیه السلام</small>
۱۹	۱- موالات
۲۱	۲- انتظار
۲۲	۳- زنده داشتن یاد و نام امام عصر (عج)
۲۳	حیات مهدی موعود (عج)

- ۲۵ برخورد حکومت وقت با تولد آن حضرت
- ۲۷ انتقال رهبری و امامت در سن پنج سالگی
- ۲۸ جعفر کذاب و نماز بر پیکر مطهر امام حسن عسکری علیه السلام
- ۲۹ جستجوی مأموران حکومت به سعایت جعفر
- ۳۰ نهان زیستی حضرت مهدی علیه السلام
- ۳۱ غیبت صغری و کبری
- ۳۲ نایب اول: عثمان بن سعید
- ۳۴ نایب دوم: محمد بن عثمان
- ۳۵ نایب سوم: حسین بن روح
- ۳۶ نایب چهارم: علی بن محمد سمّری
- ۳۶ غیبت کبری
- ۳۸ پیروی از فقها
- ۴۰ عنوان دوم: ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام
- ۴۵ عنوان سوم: هیچگاه زمین از حجّت خدا خالی نیست
- ۴۷ عنوان چهارم: تبار مهدی علیه السلام
- ۵۱ عنوان پنجم: شباهت مهدی علیه السلام به سایر پیامبران علیهم السلام
- ۵۵ عنوان ششم: حرمت و آثار انکار وجود امام عصر علیه السلام
- ۵۸ عنوان هفتم: چرا غیبت
- ۱- عدم تعهد در مقابل سرکشان
- ۲- آزمایش عمومی
- ۳- بیم جان
- ۴- عدم آمادگی مردم

- عنوان هشتم: چگونگی بهره‌مندی مردم از امام عصر علیه السلام در زمان غیبت ۶۳
- عنوان نهم: توجهات امام عصر علیه السلام به شیعیان ۶۵
- عنوان دهم: انتظار فرج ۶۶
- عنوان یازدهم: آمادگی برای یآوری امام عصر علیه السلام ۶۹
- عنوان دوازدهم: خدمتگزاری به امام عصر علیه السلام ۷۱
- عنوان سیزدهم: علاقه به امام زمان علیه السلام ۷۲
- عنوان چهاردهم: غم و اندوه در هجران امام عصر علیه السلام ۷۴
- عنوان پانزدهم: گریه در فراق محبوب ۷۶
- عنوان شانزدهم: ارزش حفظ دین در عصر غیبت ۷۸
- عنوان هفدهم: درخواست از خدا، برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام ۸۱
- عنوان هجدهم: حتمی بودن قیام مهدی علیه السلام ۸۳
- عنوان نوزدهم: جهان شمول بودن حکومت مهدی علیه السلام ۸۵
- عنوان بیستم: چگونگی حکومت امام زمان علیه السلام ۸۸
- فهرست منابع ۹۱

مقدمه

کتاب حاضر تحت عنوان شناخت مهدی موعود (عج) در بیست عنوان، تلاش دارد به زبانی ساده، اما مستحکم، برخی از مهمترین موضوعات مطروحه پیرامون وجود مقدس امام عصر علیه السلام را برای شما خواننده محترم بازگو نماید.

امیدواریم این تلاش مقرون موفقیت و مقبول حضرت احدیت واقع گردیده و گامی باشد در اداء وظیفه، احیاء یاد و نام و فرهنگ امام زمان علیه السلام ارواحنا فداه.

با عرض سپاس از مساعی و راهنمایی‌های عالمانه و مشفقانه حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد مهدی موسوی خلخالی (دامت برکاته) و کوشش حجة الاسلام سید کمال هاشمی.

ستاد برگزاری جشن‌های میلاد حضرت مهدی (عج)

شعبان المعظم ۱۴۲۹ - مسجد صدریه تهران

شناخت امام زمان علیه السلام و زندگانی او

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

«هر آنکه بمیرد در حالیکه امام زمان خویش را نشناسد، با عقیده

مردم جاهلیت مرده است»^۱.

ضرورت شناخت امام عصر به حکم عقل و نقل مسلم، روشن است و در ضمن فصول آینده کتاب نیز مورد بحث قرار می‌گیرد، لکن لازم است به این موضوع دقت شود که امام را در دو مرحله باید شناخت:

۱- شخص آن بزرگوار

۲- شخصیت و مقامات او

امام علیه السلام به لحاظ شخص او، دارای پدر و مادر و محل تولد و تاریخ

معین و دیگر خصوصیات شخصی، و شناسنامه‌ایست که طبقاً این خصوصیات در هر امام نسبت به امام دیگر متفاوت خواهد بود، و در این نوشتار نیز تا حدودی با این ویژگیهای امام عصر آشنا می‌شویم. اما شخصیت امام که همان مقام امامت است و در بین تمام ائمه معصومین علیهم‌السلام مشترک می‌باشد، دارای سه مرحله است:

اول: مرجعیت دینی

به این معنی که امام علیه‌السلام بیان‌کننده احکام واقعی اسلام است و همانطور که فرامین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم واجب‌الاطاعة است، فرمانهای امام و بیانات او نیز واجب‌الاتباع است، قرآن کریم می‌فرماید:

مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا.^۱

«ای مسلمانان، آنچه را که پیامبر برایتان می‌آورد بپذیرید [و بپذیرید] و از آنچه که شما را نهی می‌کند بپرهیزید».

و این یعنی الهی بودن او امر و نواهی آن جناب، و از جمله بیانات قطعی آن حضرت آن است که فرمود:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ مِنَ الْبَابِ.^۲

«من شهر علم [الهی] هستم و علی علیه‌السلام در آن می‌باشدم، پس هر آنکه می‌خواهد از این علم خوشه بردارد، بایستی از در آن وارد شود».

از این کلام روشن می‌شود که تنها راه بهره‌مندی کامل و صحیح از

۱ - حشر / ۷.

۲ - اعلام الوری / ۱۵۹.

علوم نبوی که شامل احکام و معارف الهی است، تمسک به امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام است و در نتیجه گفتار هیچ‌کسی در بیان احکام الهی حجت نیست مگر آنکه از طریق معتبر از قول امام معصوم نقل کند و این یعنی آنکه تنها امامان معصوم باب علم نبوی هستند.

دوم: حکومت و زعامت سیاسی امت اسلامی

مرحله دوم از مقام امامت، رهبری جامعه اسلامی و حکومت بر آن است و این به حکم خداوند است که می‌فرماید:

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.^۱

«اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر را و صاحبان حکومت از بین خودتان را».

بدیهی است که مراد از اولو الامر، منصوبین به ولایت عامه از طرف رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند، نه هر کسی که متصدی زعامت شود هر چند ظالم و جاهل باشد؛ و به عبارت دیگر امامت و ولایت امر یک منصب الهی است مانند نبوت که نیاز به جعل و نصب دارد، آنگونه که قرآن نسبت به حضرت ابراهیم علیه السلام از آن خبر می‌دهد؛

(إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا).^۲

«این من هستم [خدا] که تو را پیشوای مردم قرار دادم».

پس جعل امامت همسو با بعث رسالت است و هر دو از مناصب

۱ - نساء / ۵۹.

۲ - بقره / ۱۲۴.

انشایی و تشریحی هستند و مقام امامت مساوق و همدوش با مقام رهبری و زعامت سیاسی امت است.

سوم: ولایت معنوی

ولایت معنوی به معنی احاطه حقیقی و اشراف واقعی و علمی بر امت است.

عقیده قطعی و صحیح شیعه بر این است که در این زمینه فرقی بین حضور و غیبت امام و بلکه بین حیات و ممات او نیست و احاطه او بر احوال شیعیان و بلکه جهانیان، در تمام شرایط ثابت و برقرار است و از همین روست که توسلات و زیارات و سلام‌ها به عرض ایشان می‌رسد و این بیانگر آگاهی مستمر آنهاست و گرنه تمامی توسلات و زیارات لغو می‌بود حال آنکه ایشان خود، ما را امر بر اینگونه امور نموده‌اند.

در توفیق شریف حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام به شیخ مفید چنین آمده است:

إِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَائِكُمْ وَلَا تَعَزُّبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ، إِنَّا
غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ.^۱

«همانا ما به اخبار شما آگاهی داریم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست، و ما هرگز نسبت به مراعات احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم».

و هم چنین طبق اذن دخولی که شیخ کفعمی برای ورود به آستان

قدس رسول الله صلی الله علیه و آله و یا یکی از مشاهد مشرفه امامان معصوم علیهم السلام نقل کرده است می خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَائِكَ (علیهم السلام) أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي وَ أَنْكَ حَجَبْتِ عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتِ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ.^۱

«خداوندا! من به احترام صاحب این قبر شریف، پس از مرگش اعتقاد دارم، آنچنانکه در زمان حیاتش اعتقاد می داشتیم و می دانم که پیامبرت و خلفایت علیهم السلام، زنده هستند و روزی داده می شوند و مرا و منزلتم را می بینند و سخنم را می شنوند و پاسخ سلامم را می دهند ولی تو کلام آنها را از شنیدن من، پوشیده داشتی و در عوض باب لذت مناجات با آنها را به رویم گشودی.»

دقت در این عبارات به خوبی مدعای شیعه را ثابت می کند و احاطه حقیقی و اشراف گسترده و حتی غیر مقید به زمان حیات آن بزرگواران را نشان می دهد و با چنین عقیده ای نسبت به امام باید وارد زیارت شد که او منزلت ما را می شناسد و سخن ما را می شنود و پاسخمان را نیز می دهد، پس فرقی بین حیات و ممات او نیست، همانگونه که فرقی بین حضور و غیابش نیست.

اقسام حضور امام عصر علیه السلام

امام عصر علیه السلام دارای سه نوع حضور می باشند که در عصر غیبت تنها اولین نوع آن که حضور جسمانی شناخته شده برای امت است، منتفی خواهد بود و لکن دو قسم حضور دیگر برای آن حضرت وجود دارد که در دوران غیبت نیز کماکان ثابت است.

اول: حضور علمی امام عصر علیه السلام

سخنان ائمه معصومین علیهم السلام تماماً برگرفته از منبع مقدس علم نبوی است که از طریق وحی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است و حضرات معصومین علیهم السلام هر کدام خلیفه پیامبر هستند. بنابراین سخن اولین آنها، سخن آخرین آنها نیز خواهد بود و کلامشان یکی و واحد است، از این روی وجود سخنان یازده امام پیشین در بین امت، عیناً همان حضور فرمایشات امام عصر علیه السلام است.

امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصٌ فِي خَالِ هِدَايَتِهِمْ، فَإِنَّ عِلْمَهُ وَ
آدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ، فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ.^۱

«اگرچه که شخص او بهنگام هدایت مردم، از آنها پوشیده است، اما دانش و آداب او در دل‌های اهل ایمان ثابت است و آنان به آن عمل می کنند».

و هم چنین در روایتی دیگر وجود امام غایب را مانند امام حاضر

موجب جلوگیری از ابطال حجج و آیات روشن الهی، معرفی می‌کند و این مهم از طریق همین حضور علمی انجام می‌پذیرد.

(لَا يَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ وَإِمَّا خَائِفٌ مَغْمُورٌ، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجُجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ).^۱

«هرگز زمین از قائمی که حجت را بر بندگان تمام کند خالی نیست، حال یا او ظاهر و در بین مردم و مشهور است یا آنکه ترسان و پوشیده است و این وجود برای آن است که حجت‌های الهی و آیات روشن او باطل نگردد».

دوم: حضور ولایی

در نظر مستند شیعه به آیات و روایات و براهین عقلی، امام واسطه فیض ربوبی است و در تمام مراحل و شرایط، در زندگی موجودات نقش داشته و از طریق اوست که روزی موجودات به آنها می‌رسد و بلا یا از سر شیعه مرتفع می‌گردد و هیچ چیزی از عملکرد ما نیست مگر آنکه امام بر آن آگاهی و اشراف دارد و در این جهت نه تنها فرقی بین حضور جسمانی یا غیبت او نیست بلکه بین حیات ظاهری با حیات باطنی و پس از مرگ او نیز تفاوتی نخواهد بود.

دقت در جملات ذیل، این واقعیت را بیشتر آشکار می‌سازد.

قال بقية الله الاعظم عجل الله تعالى فرجه الشريف: وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ.^۲

۱ - کمال الدین ج ۱ ص ۲۹۱.

۲ - احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۳۲۳.

«و اگر نبود اینکه ما شما را فراموش نمی‌کنیم و در مراعاتتان کوتاهی نمی‌ورزیم، هرآینه سختیها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان تار و مارتان می‌کردند».

عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام: لَإِنْ تَرَوْا أَنَّهُ لَيْسَ لَنَا مَعَكُمْ
أَعْيُنٌ نَاطِرَةٌ وَ أَسْمَاعٌ سَامِعَةٌ، لِأَسْ مَا رَأَيْتُمْ، وَاللَّهِ مَا يَخْفَى
عَلَيْنَا شَيْءٌ مِنْ أَعْمَالِكُمْ فَاحْضُرُونَا جَمِيعاً وَ عَوِّدُوا أَنْفُسَكُمْ
الْخَيْرَ وَ كُونُوا مَعَ أَهْلِهِ تُعْرَفُوا بِهِ فَإِنِّي بِهَذَا أَمْرٌ وُلْدِي وَ
شِيعَتِي.^۱

«اگر این چنین می‌بینید که برای ما در بین شما چشمی بینا و گوش‌شنوا نیست، قطعاً بد نظری دارید، بخدا سوگند هیچ چیز از کردار شما بر ما پوشیده نیست، پس همگی ما را حاضر بدانید و به خیر بگرایید و همراه اهل خیر باشید تا به آن شناخته شوید، همانا من فرزندان و شیعیانم را به این مهم امر می‌کنم».

این چنین عقیده‌ای، اسباب سعادت و عاقبت بخیری شیعیان است و از همین روست که حضرت موسی بن جعفر عليه السلام فرمودند:

طُوبَى لَشِيعَتِنَا، الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، الثَّابِتِينَ
عَلَى مُوَالَاتِنَا وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا، أَوْلِيكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ،
قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً، فَطُوبَى بِهِمْ ثُمَّ طُوبَى
بِهِمْ، هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۲

۱ - بحار الانوار ج ۴۶ ص ۲۴۳.

۲ - کمال الدین ج ۲ ص ۳۶۱.

«خوشا بحال شیعیان ما، همانان که به هنگام غیبت قائم ما، به ریسمان ولایت ما تمسک می‌جویند و بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما ثابت قدم هستند، حقیقتاً آنان از ما هستند و ما نیز از آنانیم، آنان به امامت ما راضی شدند و ما هم به تشیع آنها، پس خوشا بحال آنان و باز هم خوشا بحال آنان، بخدا قسم که آنها در قیامت در کنار ما و در درجات ما هستند.»

سه نتیجه شناخت امام علیه السلام

۱ - موالات

دوستی و محبت اهل بیت علیهم السلام، نقشی بسزا در تربیت اسلامی و مقبولیت انسان و عمل او در پیشگاه خداوندی دارد؛ زیرا از جمله آثار مهم محبت، تلاش محب به شکل خودآگاه و ناخودآگاه است در شباهت به محبوب و جلب رضایت او، و بدین جهت که ائمه معصومین علیهم السلام از تمام زشتی‌ها مبرا^۱ و به تمام فضایل متخلق هستند، دوستی آنها در قرآن واجب شمرده شده است،

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ. ^۲

«ای پیامبر بگو به مردم که من از شما پاداشی نمی‌خواهم مگر دوستی خاندانم را.»

و بدان جهت که قبول دوستی و ولایت خاندان عصمت و طهارت،

۱ - به استناد آیه تطهیر.

۲ - شوری / ۲۳.

پذیرش فرمان خدا و رسول است و موجب بهره‌مندی از دین واقعی می‌شود و عدم پذیرش آن، زیرپا نهادن حکم خدا و رسول و عمل بر اساس آیینی تحریف شده است، این ولایت و مودت شرط قبولی اعمال و به خصوص نماز است.

عن الهادی عليه السلام في زيارة الجامعة الكبيرة: وَ بِمُؤَالَاتِكُمْ
تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَ الدَّرَجَاتُ
الرَّفِيعَةُ وَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودِ ... وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ.

«و به سبب موالات شماست که اطاعت واجب پذیرفته می‌شود و شما هستید که محبتتان واجب است و صاحب درجات رفیع و مقام ستایش شده و شفاعت پذیرفته شده می‌باشید».

مراد از طاعت مفترضه به احتمال قوی نماز است زیرا فردا کمال عبادات است که نسبت به تمام افراد واجب است حال آنکه سایر واجبات مشروط به شرائط خاص هستند و بر هر کس واجب نمی‌شوند فلذا این عبارت منصرف به اکمل افراد است.

و مودت واجب، اشاره است به آیه شریفه ۲۳ سوره شوری که در ابتدای همین بحث ذکر شد.

و مقام محمود نیز اشاره است به آیه شریفه:

عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا.^۱

«امید است که پروردگارت تو را به مقامی ستایش شده برساند».

و شفاعت مقبول در حق گناه کاران، امتیاز و حقی است که خداوند

حکیم به آن بزرگواران اعطا فرموده است.

۲ - انتظار

امید به ظهور مهدی علیه السلام و تلاش برای کسب رضایت حجت خدا که همان رضایت خداست (من اطاعکم فقد اطاع الله) ^۱ و کوشش در فراهم نمودن زمینه‌های فکری و اجتماعی ظهور آن حضرت، مفهوم صحیح انتظار فرج است که از افضل عبادات و محبوبترین اعمال در نزد خداوند منان و از جمله وظایف شیعیان در عصر غیبت است.

عن امیرالمؤمنین علی علیه السلام: **انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَبْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ.** ^۲

«منتظر امر فرج باشید و از رحمت خداوند مأیوس نشوید زیرا که محبوبترین اعمال در نزد خدای عزیز و بلند مرتبه، انتظار فرج است تا هنگامی که بنده مؤمن بر آن مستدام باشد».

و قال الصادق علیه السلام: **مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.** ^۳

۱ - زیارت جامعه.

۲ - الخصال / ۶۱۶.

۳ - غیبت نعمانی ص ۲۰۰.

«هر کسی که بودن از یاران حضرت قائم شادمانش می‌کند [برای رسیدن به سعادت] بایستی منتظر فرج بوده و با رعایت حدود الهی و خصلت‌های نیک، رفتار کند در حالیکه منتظر [واقعی] است، پس اگر مرگ او پیش از قیام قائم رخ دهد، پاداش او مانند اجر کسی است که قائم را درک کرده، پس کوشش کنید و منتظر باشید، گوارایتان باد ای جماعت مورد رحمت خدا».

۳ - زنده داشتن یاد و نام امام عصر (عج)

بی‌تردید حضرت بقیة الله عجل الله فرجه از مظاهر و مصادیق اعظم شعائر الله است و شعائر الهی اموری هستند که یاد و فرمان خدا را در قلوب مردم و سطح جامعه احیا می‌کنند و به همین جهت است که زنده داشتن آنها، اسباب گسترش تقوا و نیروی معنوی در قلوب مردمان شمرده شده است،

وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ^۱

«و هر که شعائر [آیات] الهی را بزرگ بدارد، این نشانه تقوای دلهاست».

و کسی دست به این کار می‌زند که دلی مملو از تقوا داشته باشد. زنده داشتن نام و یاد امام عصر عجل الله فرجه، امید را در دل دوستان تقویت و احساس امنیت خاطر از داشتن یک حجّت و سرپرست الهی را در دلشان افزون‌تر می‌کند و شعله امید به پیروزی نهایی حق بر باطل را در قلوب مؤمنین زنده و گرم نگه می‌دارد زیرا مهدی موعود عجل الله فرجه همچون

سایر پیامبران منصور من عند الله است با این فرق که پیروزی ظاهری او هم، حتمی و قطعی است و جهان نیز این چنین رهبری را می خواهد که بعد از آنکه عدم توانایی بشر جدا از خدا را در برقراری عدالت مطلقه تجربه کرد و فهمید که جز راه الهی و حکومت خدا بر مردم راه دیگری باقی نمانده است، دست به دامان او بزند و به هدایت او تن در دهد. از این رو احیای جشن های نیمه شعبان از مصادیق تعظیم شعائر الهی و زنده نگهدارنده یاد و نام و مرام آن حضرت است فلذا بایستی در تقویت آنها کوشید.

و البته آنکه امام خویش را به نیکی بشناسد از هیچ تلاشی برای احیاء یاد و نام او کوتاهی نخواهد نمود.

حیات مهدی موعود (عج)

وجود نازنین مهدی موعود علیه السلام، آخرین امام از دودمان طاهر نبوی و سلسله ائمه دوازده گانه علوی است که اینک در پس پرده غیبت به سر می برد.

میلاد سراسر سعادت او در روز جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری، به هنگام طلوع فجر و در شهر سامراء به وقوع پیوست. پدر بزرگوارش، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، یازدهمین امام شیعیان و وصی و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

مادر گرامیش حضرت نرجس خاتون است، او دختر یشوعا، پسر قیصر، امپراطور روم، که مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی علیه السلام بوده و نسب شریفش به شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام می رسد.

آن بانو یک شب در کاخ امپراطوری، رسول اکرم ﷺ را در خواب دید که با دخترش فاطمه زهرا علیها السلام به خانه او تشریف فرما شدند، آن گاه پیامبر اسلام در کنار حضرت عیسی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام در کنار حضرت مریم نشستند، سپس حضرت رسول اکرم ﷺ او را از حضرت عیسی علیه السلام برای فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام خواستگاری نمود. آن گاه حضرت زهرا علیها السلام تصویر امام حسن عسکری علیه السلام را به او نشان داد و مقام والای او را بیان فرمود و اینکه چگونه می توان به محضر او شرفیاب شود، بازگو نمود.

بعد از این خواب او بصورت ناشناس و در میان زنهای پرستار، همراه سپاه پدرش که برای جنگ با مسلمین حرکت کرده بودند، همراه شد و پس از شکست رومیان در میان اسیران قرار گرفت و خود را با نام نرجس معرفی نمود.

او که در کاخ امپراطوری روم و تحت نظر پدرش از مریبان زبان عربی را به خوبی فرا گرفته بود، در شهر بغداد و بازار برده فروشان دست رد به سینه تمام خریداران زده تا اینکه «بشر بن سلیمان» از اصحاب امام هادی علیه السلام با نامه ای به سراغ او آمد و با رضایت کامل آن بانو، ایشان را برای شرفیابی به محضر امام هادی علیه السلام خریداری نمود.

بعد از آنکه نرجس خاتون به نزد امام هادی علیه السلام رسید، خواهر بزرگوارش جناب حکیمه خاتون علیها السلام را فراخواندند و به او فرمودند:

هَاهِيَهٗ، فَخُذِيهَا وَ عَلَّمِيهَا الْفَرَائِضَ فَإِنَّهَا زَوْجَةٌ ابْنِي أَبِي
مُحَمَّدٍ وَ أُمُّ الْقَائِمِ.

«خواهرجان! این همان است. او را به منزل برده، احکام دین را به او بیاموز که او همسر پسر (ابومحمد) و مادر قائم (عج) می‌باشد.»

بدین سان نرجس خاتون این سعادت را پیدا کرد که یکتا بازمانده الهی و حجّت پروردگار، حضرت صاحب الزّمان (عج) را به دنیا آورد.^۱ نام مبارک آن حضرت، همان نام مقدّس رسول خداست و کنیه او نیز با کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطابقت دارد.

لقب‌های امام عصر علیه السلام بسیار است و هر یک از آنها بیانگر فضیلت و خصوصیتی ویژه در آن حضرت می‌باشد. مرحوم محدّث نوری در کتاب نجم الثاقب ۱۸۲ لقب برای ایشان نقل می‌کند که برخی از آنها عبارت است از: قائم، حجّت، منتظر، صاحب الزّمان، خلف صالح، مؤمّل، مأمول، منصور، احمد، فرید، وحید، منجی و مضطر، اما مشهورترین القاب او، مهدی است.

برخورد حکومت وقت با تولد آن حضرت

بشارتهای رسیده از سوی رسول مکرم اسلام و پدران معصوم آنجناب به ولادت او آنقدر فراگیر و فراوان بود که خلفای جور بنی عباس همواره منتظر ولادت او بودند، به خصوص خلیفه وقت، الموفق بالله، که براساس همین روایات گسترده به اطمینان می‌دانست که مهدی و قائم آل رسول از فرزندان امام حسن عسکری علیه السلام است، پیوسته خانواده امام یازدهم راتحت نظر داشت تا به محض تولّد آن کودک

۱ - روزگار رهایی ج ۱ ص ۱۴۳ و کمال الدین / ۲ / ۴۲۰.

موعود، او را به قتل برساند، به همین جهت حکمت بالغه الهی اقتضا می کرد که دوران بارداری و حمل و تولد و رشد و نمو جسمانی آن بزرگوار به مانند حضرت ابراهیم خلیل الرحمن و موسای کلیم الله، پنهان و به دور از نشانه و انظار مردم باشد و تنها برخی از خواص اصحاب و شیعیان از وجود او مطلع باشند و از نزدیک حضرتش را زیارت کنند.

یکی از خادمان امام حسن عسکری علیه السلام به نام ابو غانم می گوید، در روز سوم پس از ولادت کودک، آن حضرت فرزند خویش را به اصحاب خود نشان داد و گفت:

هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ. وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي
تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالِانْتِظَارِ. فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ
ظُلْمًا، خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا.^۱

«این کودک، پس از من، امام شما و جانشین من بر شما می باشد، و او همان قیام کننده ای است که مردمان در انتظارش به سوی او گردن می کشند، پس آن هنگام که زمین از بیداد و ستم، آکنده شود، او قیام می کند و آن را از عدل و داد پر می سازد».

بدین ترتیب امام عسکری علیه السلام، شیعیان خود را از حیرت و سردرگمی خارج می نمود و امام پس از خود را به آنها معرفی می کرد و راه را بر بهانه جویان و فرصت طلبان می بست.

انتقال رهبری و امامت در سن پنج سالگی

پنج سال از زندگانی شریف حضرت مهدی علیه السلام گذشته بود که با دسیسه دشمنان، پدر عزیزش امام حسن عسکری علیه السلام، مسموم و به شهادت رسید و به دنبال آن، زعامت و امامت شیعیان به آن جناب منتقل شد.

این اولین بار نبود که کسی در سنین کودکی منصب امامت و رهبری و هدایت مردم را به عهده گرفته بود، پیش از این حضرت محمد بن علی، جواد الائمه علیه السلام نیز در سن هفت سالگی به امامت رسیده بود و قبل از آن نیز پیامبران بزرگی چون حضرت یحیی و عیسی علیهما السلام در سنین طفولیت به مقام نبوت از سوی خداوند سبحان رسیده بودند.

قرآن در این زمینه می‌فرماید:

يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا.^۱

«ای یحیی کتاب را با نیرومندی بگیر و حفظ کن و ما به او حکم (نبوت) دادیم در حالیکه کودکی بود.»

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا.^۲

«عیسی علیه السلام در حالیکه در گهواره بود گفت همانا من بنده خدا هستم که به من کتاب داده است و پیامبرم قرار داده.»

بنابراین آن بزرگوار در آن سن پنج سالگی، همان ویژگیها و علوم و معارفی را داشت که پدران معصومش داشتند و اینک نیز دارای آن است.

۱ - مریم / ۱۲ .

۲ - مریم / ۳۰ .

جعفر کذاب و نماز بر پیکر مطهر امام حسن عسکری علیه السلام

پنهان بودن زندگی مهدی علیه السلام و عدم اطلاع عامه مردم از وجود شریف آن حضرت، دستاویزی بود برای برادر ناصالح و قدرت طلب و دنیا دوست امام حسن عسکری علیه السلام که از آن بهره برداری نماید و به دروغ خود را وارث و وصی امام معرفی نماید و در این جهت از حمایت حکومت وقت که او را فردی مناسب برای ایجاد انحراف در صفوف شیعیان می پنداشت نیز استفاده کند، این عمل و ادعای دروغین جعفر موجب آن گردید که به کذاب مشهور گردد.

از جمله اعتقادات شیعه درباره امامان معصوم علیهم السلام این است که نماز بر پیکر مطهر امام بایستی توسط امام معصوم پس از او، اقامه شود. بر همین اساس، جعفر مترصد آن بود که با خواندن نماز بر بدن مقدس و مطهر امام حسن عسکری علیه السلام، ادعای خود مبنی بر جانشینی آن حضرت و امامت خود را به کرسی بنشانند، اما خواست خدا چیز دیگری بود.

ابوالادیان، یکی از از صحابه امام عسکری علیه السلام نقل می کند که: صدای گریه و ناله از خانه آن حضرت بلند بود ... و در این حال جعفر، برادر آن حضرت را دیدم که بر در خانه نشسته و شیعیان به او تسلیت و تبریک می گویند [عرض تسلیت به جهت رحلت برادرش و شادباش به خاطر جانشینی] من با خود گفتم: اگر این شخص امام باشد، امامت از بین خواهد رفت! چرا که من او را از قبل می شناختم، او شراب می خورد، قمار بازی می کرد، و تنبور می نواخت ...، در این هنگام خادم او از خانه بیرون آمد و به جعفر گفت: برادرت را کفن نموده اند،

پس بلند شو و بر او نماز بگذار، جعفر و پیروانش به همراه او داخل خانه شدند و دیدیم که بدن مطهر امام حسن عسکری علیه السلام را کفن نموده و بر روی تابوتی گذارده‌اند، جعفر جلو ایستاد تا بر پیکر برادرش نماز بخواند و همینکه خواست تکبیر بگوید، ناگهان کودکی گندمگون، با موهایی مجعد و دندانهایی به فاصله، از اندرون خانه بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و فرمود: ای عمو! عقب بایست! زیرا من در نماز خواندن بر پدرم سزاوارترم!

رنگ از چهره جعفر پریده بود، بی اختیار عقب رفت و آن کودک پیش آمد و بر پدر خویش نماز خواند.^۱
بدین گونه وجود امام مهدی علیه السلام در انظار هویدا شد و با اقامه نماز بر پدر معصوم خود، امامت خویش را نیز اعلان داشت و شیعیان را از حیرت خارج نمود.

جستجوی مأموران حکومت به سعایت جعفر

خبر وجود و حضور فرزند امام حسن عسکری علیه السلام به سرعت منتشر شد و با دسیسه جعفر کذاب، مأموران دستگاه خلافت به جستجوی گسترده دست زدند تا مهدی علیه السلام را یافته و از بین ببرند. ولی هرچه بیشتر تلاش کردند، کمتر یافتند و تنها اسباب آزار افزونتر خانواده آن جناب را فراهم نمودند.

جعفر نیز از ادعای خود سودی حاصل نکرد و تنها توانست با کمک حکومت، میراث برادرش را به ناحق به یغما ببرد، این واقعیت زشت،

پیش از تحقق ظاهری، توسط جد بزرگوار آن حضرت، جناب سیدالشهدا حسین بن علی علیه السلام، عنوان شده بود و زمینه ساز هدایت شیعیان در آن دوران سخت بود.

قال الحسين عليه السلام: قائم هذه الأمة هو التاسع من وُلدي. وَهُوَ
صاحب الغيبة. وَهُوَ الَّذِي يُقَسِّم ميراثه وَهُوَ حَيٌّ.

«قیام کننده این امت، نهمین از فرزندان من می باشد و او همان صاحب غیبت است و کسی است که در حال زنده بودنش، میراثش را تقسیم می کنند».

نهان زیستی حضرت مهدی علیه السلام

این واقعه نشان داد که خطر قتل و تعقیب از سوی دشمن، بسیار جدی و بزرگ است، فلذا حضور علنی مهدی علیه السلام در سطح جامعه، عملی غیر حکیمانه و موجب محقق نشدن تمام بشارت‌های داده شده به قیام و اصلاح امور توسط او بود، بنابراین و به خاطر حفظ جان عزیز او و دلایلی دیگر، حکمت بالغه الهی اقتضاء داشت تا مدتی که خداوند مصلحت می داند، زندگی آن حضرت از دیده گان مردم پوشیده نگاه داشته شود و او نیز چونان گروهی از پیامبران گذشته، زمانی را در غیبت از مردم خود به سر برد، با این تفاوت که به آگاهی او از احوال مردمش هیچ خللی وارد نیاید.

ابراهیم خلیل الرحمن، موسای کلیم الله و عیسی روح الله، هر کدام مدتی را از قوم خود دوری گزیدند و مهدی علیه السلام نیز همسوبا این

پیامبران الهی و به فرمان خداوند حکیم این چنین نمود تا هنگامی که شرایط برای حضورش فراهم شود و بتواند به رسالت الهی خود جامعه عمل بپوشاند.

وَ اعْتَزِلْكُمْ وَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ...^۱

«و ابراهیم گفت: من از شما و آنچه [می‌پرستید] کناره می‌گیرم.»

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.^۲

«پس موسی از مصر خارج شد در حالیکه ترسان و نگران اخبار قتل آن قبطی بود و در آن حال گفت پروردگار من، مرا از قوم ستمگر نجات ده.»

وَ مَا قَتَلُوهُ وَ مَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ.^۳

«و آنان عیسی را نکشتند و او را به صلیب نکشیدند بلکه امر او بر ایشان مشتبه شد [و او از میان ایشان غایب شد].»

غیبت صغری و کبری

از آن پس بود که امام مهدی علیه السلام، رخ در نقاب پنهان نمود و در پس پرده غیبت قرار گرفت، اما این غیبت در دو مرحله محقق شد، نخست از سال ۲۶۰ هجری قمری و پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، تا سال ۳۲۹ به مدت ۶۹ سال که از آن به غیبت صغری تعبیر می‌شود و در

۱ - مریم / ۴۸.

۲ - قصص / ۲۱.

۳ - نساء / ۱۵۷.

طی این زمان چهار نفر از شیعیان برجسته از سوی آن امام همام نقش نیابت خاصه و واسطه بین مردم و امام را ایفا می کردند. دوم از سال ۳۲۹ و پس از مرگ چهارمین و آخرین نایب و سفیر خاص آن حضرت که بساط نیابت خاصه برچیده شد و زمان بهره گیری شیعیان از نواب عام یا همان فقها آغاز شد و پایان آن نیز روشن نیست و تا هنگامی که خداوند حکیم اذن قیام و ظهور به ایشان ندهد، این غیبت به طول خواهد انجامید، از این غیبت به کبری یاد می شود، یعنی دراز مدت.

پیشوای ششم شیعیان، حضرت امام صادق علیه السلام درباره غیبت مهدی علیه السلام می فرمایند:

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ؛ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ
الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ. وَ الْأُخْرَى لَا
يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ.^۱

«قائم علیه السلام، دارای دو غیبت می باشد، یکی از آنها کوتاه مدت و دیگری طولانی است. در غیبت اول، کسی از مکان او آگاه نیست مگر شیعیان ویژه او و در غیبت دوم کسی از مکان او مطلع نخواهد بود مگر خدمتگزاران خاص او.»

نایب اول: عثمان بن سعید

اولین کسی که پس از شروع غیبت صغری، از سوی امام عصر علیه السلام به نیابت خاصه از سوی آن جناب، منصوب شد، شخصیت بزرگوار

ابو عمرو عثمان بن سعید عمری بود که تا آن هنگام، نیابت و سفارت امام هادی و امام عسکری علیه السلام را نیز در کارنامه خویش داشت.^۱

او به «اسدی» معروف است، چون از قبیله «بنی اسد» است. او را «عمری» گویند، چون جد مادرش «عمری» بود و گفته شده است که امام عسکری علیه السلام فرمود که به جای ابو عمرو، او را «عمری» بگویید. به او عسکری نیز می گویند چون که در «عسکر» یا «سامرا» سکونت داشت. دیگر اینکه به او «زیات» و یا «سمان» یعنی روغن فروش می گفتند، به این جهت که به منظور استتار فعالیت های سیاسی - مذهبی، روغن فروشی می کرد و در قالب روغن فروشی، اموالی را که شیعیان به وی می دادند تا به امامشان برساند، در ظرف های روغن مخفی می کرد و به محضر امام عسکری علیه السلام می رساند.

«کشی» درباره سابقه خدمت او در بیت امامت می نویسد «او از سن یازده سالگی به خدمتگزاری نزد امام هادی علیه السلام مشغول بود^۲».

شیخ طوسی می نویسد: روزی چهل نفر از شیعیان به محضر امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدند و از آن حضرت تقاضا کردند که حجت پس از خود را به آنان معرفی نماید ... در این هنگام ناگهان پسری را دیدند بمانند پاره ماه که از همه مردمان به امام عسکری علیه السلام بیشتر شبیه بود. در این موقع حضرت فرمودند:

هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ أَطِيعُوهُ وَلَا تَتَفَرَّقُوا

۱ - غيبة الطوسی / ۳۵۳.

۲ - تاریخ عصر غیبت / ص ۲۸۵.

مِنْ بَعْدِي فَتَهْلِكُوا فِي أَدْيَانِكُمْ. أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ مِنْ بَعْدِ
يَوْمِكُمْ هَذَا حَتَّى يَتِمَّ لَهُ عُمُرٌ. فَاقْبَلُوا مِنْ عُمَانَ مَا يَقُولُهُ،
وَأَنْتَهُوا إِلَى أَمْرِهِ، وَاقْبَلُوا قَوْلَهُ فَهُوَ خَلِيفَةُ إِمَامِكُمْ وَ الْأَمْرُ
إِلَيْهِ. ۱

«این است امام شما پس از من و جانشین من بر شما. او را
اطاعت کنید، و از اختلاف بعد از من بپرهیزید چرا که دیتان از
بین می‌رود. آگاہ باشید که پس از این روز او را نخواهید دید تا
آنکه عمری بر او بگذرد. قبول کنید هر آنچه را که عثمان [بن
سعید] می‌گوید و فرمانش را بپذیرید و گفتارش را تصدیق کنید
زیرا او جانشین امام شماست و کار بر عہدہ او می‌باشد».

نایب دوم: محمد بن عثمان

جناب عثمان بن سعید، اولین نایب خاص امام مهدی علیه السلام، پس
از هفت سال انجام وظیفہ، در سال ۲۶۷ هجری قمری، درگذشت و به
فرمان امام زمان علیه السلام، فرزند والا مقام او، جناب محمد بن عثمان منصب
پدر را عہدہ دار شد.

«محمد بن عثمان» نیز همانند پدر، از بزرگان شیعه و از نظر تقوا،
عدالت و موقعیت اجتماعی، مورد قبول و احترام خاص شیعیان و از
یاران مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام بود.

امام عسکری علیه السلام در پاسخ «احمد بن اسحاق اشعری قمی» که خود
نیز وکیل حضرت بود، و پرسید به چه کسی مراجعه کند، فرمود:

«عَمْرِي وَ پسرش هر دو امین و مورد اعتماد من هستند، آنچه به تو برسانند از جانب من می‌رسانند و آنچه به تو بگویند از طرف من می‌گویند، سخنان آنان را بشنو و از آنان پیروی کن، زیرا این دو تن مورد اعتماد و امین من هستند (الْعَمْرِي وَ ابْنُهُ ثِقَتَانِ)»^۱

شیخ طوسی در مورد او و پدرش می‌نویسد: نامه‌های صاحب الامر علیه السلام توسط عثمان بن سعید و پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان به دست شیعیان و خواص ابو محمد [امام عسکری] علیه السلام می‌رسید که شامل امر و نهی و پاسخ سؤالات شیعیان بود.^۲

محمد بن عثمان نیز پس ۳۷ یا ۳۸ سال خدمتگزاری صادقانه به آستان مقدس مهدوی در روز آخر جمادی الاول سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت.

نایب سوم: حسین بن روح

در آخرین روزهای حیات نایب دوم، محمد بن عثمان که حال وی به وخامت گراییده بود، گروهی از شیعیان در کنار او اجتماع کردند و به او گفتند: اگر برای شما اتفاقی رخ دهد، چه کسی جای شما را خواهد گرفت؟ او در پاسخ آنان گفت: این ابوالقاسم حسین بن روح بن ابوبحر نوبختی جانشین من خواهد بود و هم اوست که سفیر بین شما و صاحب الامر علیه السلام است، وکیل او و مورد اطمینان و امین می‌باشد. به او مراجعه کنید و در امور مهم به او اعتماد نمایید. من امر شده بودم که این مطلب

۱ - تاریخ عصر غیبت / ص ۲۹۱.

۲ - غیبة الطوسی / ۳۵۶.

را به شما ابلاغ کنم و اینک این کار را کردم.^۱
حسین بن روح از جمله ده نفر گار گزار محمد بن عثمان در بغداد بود
و زمانی دراز با او همکاری داشت و از سوی او امور شیعیان را سامان
می داد. بالاخره نایب سوم نیز در هجدهم ماه شعبان سال ۳۲۶ هجری و
پس از ۲۱ سال عهده داری منصب نیابت خاصه، درگذشت و در همان
بغداد به خاک سپرده شد.^۲

نایب چهارم: علی بن محمد سمّری

با وصیت حسین بن روح، از جانب امام مهدی علیه السلام، جناب ابوالحسن
علی بن محمد سمّری به عنوان چهارمین و آخرین نایب و سفیر خاص
حضرت به این سمت، منصوب شد و سرانجام بعد از سه سال تصدی این
وظیفه خطیر در نیمه شعبان سال ۳۲۹ هجری قمری از دنیا رفت و با
مرگ او دوران غیبت صغری پس از ۶۹ سال به اتمام رسید.^۳

غیبت کبری

با مرگ چهارمین نایب خاص در سال ۳۲۹، عصر غیبت صغری به
آخر رسید و از آن پس بود که دوران غیبت کبری آغاز گردید.
به فرمان حضرت امام مهدی علیه السلام که در روز نهم شعبان سال ۳۲۹،
شش روز قبل از فوت علی بن محمد سمّری، در نامه ای خطاب به او

۱ - غیبة الطوسی / ۳۷۱.

۲ - غیبة الطوسی / ۳۶۹.

۳ - غیبة الطوسی / ۳۹۴.

صادر فرمودند، نبایستی پس از خود به هیچ کسی به عنوان نایب خاص وصیت می کرد زیرا عصر غیبت کبری شروع شده بود و در این دوران هیچ کسی دارای عنوان نیابت خاصه نخواهد بود. در آن نامه آمده است:

وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ. فَقَدْ وَقَعَتِ
الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَ ذَلِكَ بَعْدَ
طُولِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ اِمْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا.^۱

«بعد از خودت به هیچ کس وصیت نکن تا بعد از تو جانشین تو باشد، زیرا غیبت کامل آغاز گردیده است و پس از این تا هنگامی که خداوند عزیز و بزرگ، اذن دهد، هیچ ظهوری نخواهد بود و این اذن الهی واقع نمی شود مگر بعد از زمانی دراز و سخت شدن دلها و پُر شدن زمین از ستم».

قابل ذکر آنکه، همانگونه که در بحث حضور علمی امام عصر علیه السلام روشن ساختیم، وجود سخنان اجداد طاهرين آن جناب و هم چنین کلمات و نامه های نورانی آن حضرت در بین ما، راه گشای جامعه شیعه در طول تاریخ غیبت کبری بوده و هست، فلذا اگر چه راه ملاقات حضوری و نیابت خاصه در این عصر مسدود است اما باب بهره مندی از علم و آداب آن جناب کما کان مفتوح می باشد.

امیر بیان و یعسوب دین، علی علیه السلام فرمودند:

إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حَالِ هِدَايَتِهِمْ، فَإِنَّ عِلْمَهُ وَ

آدَابُهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ.^۱

«اگرچه که جسم او بهنگام هدایت مردم، از آنها پوشیده است، اما دانش و آداب او در دل‌های مؤمنین مستحکم است و آنها به آن عمل می‌کنند».

پیروی از فقها

دسترسی مستقیم و یا حتی با واسطه انسانی به امام عصر علیه السلام در دوران غیبت کبری امری است غیر ممکن و لکن این عدم دسترسی به امام، به معنی عدم ارتباط علمی و ولایی (سرپرستی) مردم با آن حضرت نیست، بلکه در این عصر بایستی مردم با مراجعه به فقیهان جامع شرایط که دین و اصول و فروع آن را به نیکی و در نهایت کارشناسی می‌شناسند مراجعه کنند و با عمل به دستورات آنها که برگرفته از قرآن کریم و سنت و آداب معصومین علیهم السلام است. امور دنیوی و اخروی خود را سر و سامان دهند، پس فقط این فقیهان هستند که در زمان غیبت کبری نیابت عام دارند و به واسطه کسب تخصص در امور دین، این شایستگی را پیدا کرده‌اند که مردم به آنها مراجعه نمایند و بر اساس فتاوی آنان عمل نمایند تا اطمینان حاصل کنند که به وظایف دینی خود عمل نموده‌اند.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، برای تعیین تکلیف شیعیان در این دوران می‌فرمایند:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا

لهواه، مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلَّدُوهُ. وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ
إِلَّا بَعْضَ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعَهُمْ.^۱

«و اما هرکس از فقیهان که نگهدارنده نفس خویش است، دین خود را پاس می‌دارد، با هوای نفس خویش مخالفت می‌ورزد، فرمانبردار فرامین مولایش می‌باشد، پس بر عموم مردم سزاوار است تا از او تقلید نمایند و البته اینان برخی از فقیهان شیعه هستند و نه تمام آنها».

عنوان دوم

ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام

تاریخ انبیا و شرایع گواه بر این است که همیشه در طول تاریخ دو گروه قدرتمندان حاکم و سرمایه داران دنیا پرست، به دلیل اینکه احکام و معارف ناب الهی را سدّی محکم در برابر ادامه و توسعه قدرت و ثروت خویش می دیده اند، دست به کار تحریف ادیان بوده اند و این جنایت بزرگ خویش را غالباً از طریق دانشمندان ناپرهیزگار به انجام رسانیده اند، زیرا اکثریت مردم در تمام جوامع، دنباله رو عالمان جامعه خویش هستند و کلام مردان دین را، کلام دین تلقی می نمایند؛

این جریان مهم یکی از عوامل تجدید نبوت ها و انتصاب اوصیاء بوده است تا از طریق آنان، دین از دستخوش تحریف مصون بماند و یا در صورت تغییر اصلاح شود. در تاریخ اسلام نیز این واقعیت تاریخی تلخ تکرار شد و به محض اینکه رسول گرامی اسلام یعنی آخرین سفیر از سلسله سفرای الهی از جهان رخت بر بست، کسانی که به طمع کسب

قدرت اظهار اسلام کرده بودند، وصی به حق او را کنار زده و به تصدی قدرت و حکومت همت گماردند و در این راه از هیچ عملی روی گردانی نداشتند تا آن جا که به جهت تثبیت قدرت خود خانه‌ی وحی را به آتش سوختند و اهل بیت نبی صلی الله علیه و آله را منزوی نمودند و بالاخره چون برخی از احکام و معارف اسلام را معارض با خواسته‌های خود می‌دیدند، دست به دگرگونی آن زدند تا آن جا که پس از گذشت پنجاه سال از درگذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله، وصی معصوم او، حضرت حسین بن علی علیه السلام فرمودند:

أَلَا تَرَوْنَ إِلَى الْحَقِّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَنْتَهِي عَنْهُ.^۱

«آیا نمی‌بینید که دیگر به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌گردد».

و با قیام خونین خود دوباره توجهات را به خاندان عصمت و طهارت معطوف نمود و بدین ترتیب به مردم یادآور شد که باید دین حقیقی و اسلام ناب محمدی را از خاندانی طلب کنند که قرآن درباره‌ی آنها فرموده است:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.^۲

«به‌طور قطع خدا اراده فرموده است که هرگونه پلیدی را از شما خاندان وحی پاک کند و شما را به تطهیری ویژه تطهیر نماید».

۱ - موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام.

۲ - احزاب / ۳۳.

پس هدف از امامت حفظ و حراست از دین خدا در مقابل تحریفات و بدعت‌هاست و از همین روست که شناخت امام ضروری می‌نماید، زیرا بدون معرفت او، دین حقیقی و به دور از دگرگونی نیز شناخته نخواهد شد و بدیهی است آنکه به درستی دین خویش را بشناسد و به آن عمل نماید رستگار خواهد بود و کسی که او را نشناسد، از دین واقعی نیز بدور افتاده و به تباهی کشیده می‌شود، با توجه به حقایق فوق‌الذکر، مفهوم روایات ذیل به خوبی فهمیده می‌شود.

عن الصادق علیه السلام: اعرف امامك، فانك ان عرفتَه لم يضرْك
تقدّم هذا الامر او تأخر.^۱

امامت را بشناس که اگر او را شناختی، دیر یا زود شدن امر ظهور به تو آسیبی نمی‌رساند.

قال عثمان العُمري: سئل أبو محمد الحسن بن علي عليه السلام و أنا
عنده عن الخبر الذي روي عن آباءه عليهم السلام أن الأرض لا تخلو
من حجة لله على خلقه إلى يوم القيامة و أن من مات و لم
يعرف إمام زمانه، مات ميتة جاهلية. فقال عليه السلام: إن هذا حق
كما أن النهار حق. فقيل له: يا ابن رسول الله، فمن الحجة و
الإمام بعدك؟ فقال: إبنی محمد. هو الإمام و الحجة بعدی.
من مات و لم يعرفه مات ميتة جاهلية.^۲

۱ - ترجمه يوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲ - کمال الدین ۲ / ۴۰۹، و کفایة الأثر / ۲۹۲.

«عثمان بن سعید عمری می‌گوید نزد حضرت امام حسن عسکری بودم که از او پرسیده شد که نظرش راجع به این روایت که از پدران او علیهم السلام نقل شده که، همانا زمین از حجت الهی بر خلق خالی نمی‌ماند تا روز قیامت و هر کسی که بمیرد در حالیکه امام زمانش را نشناسد، با عقیده مردم دوران جاهلیت [کفر و شرک] مرده است، چیست!

آن حضرت فرمودند: این حدیث حق است همانگونه که وجود روز حق است. پس به او گفته شد: ای فرزند رسول خدا! چه کسی بعد از شما حجت و امام است؟ فرمود: پسر محمد، اوست امام و حجت پس از من، هر کسی که بمیرد و او را نشناسد با عقیده مردم عصر جاهلی مرده است».

چرا که بدون شناخت امام معصوم، دین ناب و حقیقی از دست انسان خارج شده و آدمی بین خود و خدایش حجتی نخواهد داشت. روایت ذیل نیز به خوبی ضرورت شناخت امام و آثار آن را بیان می‌کند، زیرا امام صادق علیه السلام در پاسخ صحابی خودشان، جناب زرارة که پرسیده بود در صورتی که من عصر غیبت را درک کنم، چه کاری را انجام دهم؟ فرمودند: این دعا را همیشه بخوان:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ظَلَلْتُ عَنْ دِينِي.^۱

«خدایا! خودت را به من بشناسان، زیرا اگر مرا با خودت آشنا
نسازی، من پیامبرت را نخواهم شناخت.
خدایا! فرستاده‌ات را به من بشناسان چرا که اگر رسالت را به من
معرفی نکنی، من حجّت تو را نیز نخواهم شناخت.
خداوندا! حجّت خود را به من معرفی نما زیرا اگر حجّتت را به من
نشناسانی، از دین خودم گمراه می‌شوم».

هیچگاه زمین از حجت خدا خالی نیست

از جمله سنن قطعی و مستمر خداوند سبحان این است که هرگز خلق خود را بدون حجت باقی نمی‌گذارد تا هیچ‌کسی در مقابل او عذری نداشته باشد و هم‌چنین بواسطه این حجت دین و شریعت خویش را محفوظ نگه می‌دارد و این از سر لطف الهی بر مخلوقات و اقتضای حکمت اوست تا آفرینش به مقصد خویش برسد، فلذا حتی اگر یک نفر نیز در زمین زندگی کند، برای ائامامی راهنما و حجتی عادل قرار می‌دهد.

قال أمير المؤمنين عليه السلام: لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ، وَإِمَّا خَافٍ مَغْمُورٌ، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَّةُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ.^۱

«زمین از بپا دارنده حجّت خدا خالی نمی ماند؛ حال یا او آشکار و شناخته شده است و یا ترسان و پوشیده، تا آنکه بواسطه وجود او حجتهای خداوند و آیات روشن او محفوظ بماند».

قال الصادق عليه السلام: الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ.^۱

«حجّت خداوند پیش از خلق و همراه آنان و بعد از آنها خواهد بود».

قال الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَتْرَكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ عَدْلٍ.^۲

«همانا خداوند برتر و بزرگتر از آنست که زمین را بدون وجود یک امام عادل رها سازد».

قال الصادق عليه السلام: لَوْلَمْ يَكُنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ، لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ. وَ لَوْ ذَهَبَ أَحَدُهُمَا بَقِيَ الْحُجَّةُ.^۳

«اگر در روی زمین تنها دو نفر وجود داشته باشند، حتماً یکی از آن دو حجّت خدا خواهد بود و اگر یکی از آن دو بمیرد، حجّت الهی است که باقی می ماند».

قال الرضا عليه السلام: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهَا إِمَامٌ مِّنَّا.^۴

«قطعاً زمین از وجود امامی از ما خاندان خالی نخواهد بود».

۱ - کمال الدین ۱ / ۲۲۱ و ۲۳۳.

۲ - کمال الدین ۱ / ۲۲۹ و ۲۳۴.

۳ - کمال الدین ۱ / ۲۳۳.

۴ - کمال الدین ۱ / ۲۲۹.

عنوان چهارم

تبار مهدی علیه السلام

از جمله انحرافات بسیار خطرناک و مهلکی که در موضوع مهدویت و اعتقاد به امام قائم و منجی، در طول تاریخ تشیع رخ داده است، عقیده به مهدویت نوعی است.

معتقدین به این اندیشه می‌گویند که امام دوازدهم و مهدی امت تنها یک نفر نیست بلکه در هر زمان، آن فردی که عادل و دارای صفات پسندیده باشد، مهدی زمان است، و البته بر این ادعا هیچ مستند مقبولی ارائه نداده و فقط با مغالطه، افراد ساده لوح را فریب می‌دهند.

رسول گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام که از طریق علم الهی به این انحراف و نظایر آن آگاه بودند، در بیانات بسیار و روشن خود بر این واقعیت محتوم اصرار ورزیده‌اند که مهدی علیه السلام از نسل پیامبر و تنها یک فرد است و نسب او را به وضوح اعلان داشته‌اند. تا جای هرگونه تردیدی از بین برود و حق جویان، حق را بیابند.

اینک برخی از این نصوص:

قال رسول الله ﷺ: المهدى من أهل البيت.^۱

«مهدی از ما خاندان اهل بیت است.»

قال رسول الله ﷺ: إنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا مِنْ بَعْدِي. وَ مِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُتَنَزَّرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.^۲

«همانا علی بن ابی طالب علیه السلام، پیشوای امت من و جانشین من است بر آنها پس از من، و از فرزندان اوست آن قیام کننده‌ای که انتظارش کشیده می‌شود تا خداوند به سبب او زمین را از عدل و داد پر سازد همانگونه از بیداد و ستم پر شده باشد.»

قال رسول الله ﷺ: المهدى من ولدِ فاطمةَ عليها السلام.^۳

«مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام می‌باشد.»

حدیثه گوید:

قال رسول الله ﷺ: لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ كَاسِمِي، فَقَالَ سَلْمَانُ: مِنْ أَيِّ وُلْدِكَ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: مِنْ وُلْدِي هَذَا. وَ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى الْحُسَيْنِ.^۴

۱ - سنن ابن ماجه ۲ / ۲۳، المستدرک علی الصحیحین ۴ / ۵۵۷.

۲ - کمال الدین ۱ / ۲۸۸، فرائد السمطین ۲ / ۳۳۵ و ۳۳۶.

۳ - سنن ابن ماجه ۲ / ۲۴.

۴ - ذخائر العقبی ۱۳۶ و ۱۳۷، فرائد السمطین ۲ / ۳۲۶.

«اگر از عمر دنیا باقی نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را آنقدر طولانی خواهد ساخت تا مردی از فرزندان من را که هم نام من می باشد برانگیزد، پس سلمان گفت: از نسل کدامیک از فرزندان ای فرستاده خدا؟! پیامبر فرمودند: از این فرزندم و دست خویش را بر حسین علیه السلام زدند».

مردی یهودی به نام نَعْتَل از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید:

أَخْبِرْنِي عَنْ وَصِيكَ مَنْ هُوَ؟ فَمَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَلَهُ وَصِيٌّ وَإِنْ نَبِيًّا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ أَوْصَى إِلَى يُوْشَعَ بْنِ نُونٍ. فَقَالَ: نَعَمْ. إِنَّ وَصِيَّيَّ وَالْخَلِيفَةَ مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَبَعْدَهُ سِبْطَايَ؛ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ. تَتْلُوهُ تِسْعَةً مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ؛ أَيْمَةً أِبْرَارًا. قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، فَسَمِّهِمْ لِي. قَالَ: نَعَمْ. إِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ فَابْنُهُ عَلِيٌّ. فَإِذَا مَضَى عَلِيٌّ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ. فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ جَعْفَرٌ. فَإِذَا مَضَى جَعْفَرٌ فَابْنُهُ مُوسَى. فَإِذَا مَضَى مُوسَى فَابْنُهُ عَلِيٌّ. فَإِذَا مَضَى عَلِيٌّ فَابْنُهُ مُحَمَّدٌ. فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَابْنُهُ عَلِيٌّ. فَإِذَا مَضَى عَلِيٌّ فَابْنُهُ الْحَسَنُ. فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ فَابْنُهُ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَهَذِهِ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا عَلَى عَدَدِ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.^۱

«مرا آگاه کن که وصی تو کیست؟ زیرا هیچ پیامبری نبوده است مگر اینکه دارای وصی بوده و پیامبر ما، موسی بن عمران نیز به یوشع بن نون وصیت کرده. رسول خدا فرمود: آری، همانا وصی

۱ - فرائد السمطين ۲ / ۱۳۳، کفاية الأثر / ۱۳ و ۱۴، ينابيع المودة / ۴۴۱.

وجانشین پس از من علی بن ابی طالب است و پس از او دو
نوادهام، حسن و حسین علیهما السلام و پس از آنها ۹ پیشوای نیکوکار از
نسل حسین علیه السلام.

نعثل گفت: ای محمد! نام آنان را برای من بیان کن. حضرت
فرمود: بسیار خوب، پس از حسین فرزندش علی و پس از او
فرزندش محمد و بعد از او فرزندش جعفر و بعد از او فرزندش
موسی و پس از او فرزندش علی و پس از او فرزندش محمد و
پس از او فرزندش علی و بعد از او فرزندش حسن و پس از
حسن، فرزندش حجت بن الحسن بن علی علیه السلام، پس اینان
دوازده امام هستند به شمار نقیبان^۱ بنی اسرائیل.

شبهات مهدی علیه السلام به سایر پیامبران علیهم السلام

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: المهدى من وُلدى، اسمه اسمى، و كُنيتُه كُنيتى، أشبه الناس بى خلقاً و خلقاً، تكون له غيبة و حيرة تضل فيها الأمم. ثم يقبل كالشهاب الشاقب، يملأها عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً.^۱

«مهدی علیه السلام از فرزندان من، و هم نام، و هم کنیه من می باشد، او در خلقت و اخلاق، شبیه ترین مردم به من است، غیبتی خواهد داشت که به سبب آن مردم متحیر شده و اشتهایی به گمراهی می افتند، سپس به مانند شهابی پرفروغ می آید و زمین را از عدل و داد پر می کند، آنگونه که از بیداد و ستم پر شده بود».

و اما شباهتش به نیای بزرگوارش، محمد مصطفی ﷺ، قیام اوست با شمشیر، و کشتن دشمنان خدا و رسول ﷺ و زورگویان و سرکشان».

قال السَّجَّادُ عليه السلام: فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ نُوحٍ وَ هُوَ طَوَّلَ الْعُمُرَ.^۱
«در وجود قائم عليه السلام شباهتی به حضرت نوح عليه السلام هست و آن طول عمر اوست».

و این از بهترین شواهد بر امکان طول عمر فراوان برای مهدی عليه السلام است به این بیان که همان خداوندی که با اراده حکیمانه اش نوح نبی عليه السلام را قرن‌ها عمر عنایت فرمود، اکنون نیز از سر حکمت، حجتی دیگر از حجت‌های خود را طول عمر عنایت می‌فرماید.

حرمت و آثار انکار وجود امام عصر علیه السلام

قال رسول الله ﷺ: مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي، فَقَدْ
أَنْكَرَنِي.^۱

«هرکس که وجود قائم از فرزندانم را انکار کند، در واقع، مرا انکار
نموده است.»

پذیرش فرمایشات رسول خدا ﷺ لازمه قبول رسالت آن جناب،
است و رد کلام آن حضرت، انکار نبوت او، زیرا کسی که سخن رسول
الله را نمی‌پذیرد، یا او را در این کلام صادق نمی‌داند و در این گفتار
تکذیب می‌کند، و یا از اساس، نبوت و اخبار او را قبول ندارد که در هر
دو حال او را تکذیب نموده و انکار کرده است.

البته روشن است تکذیب جزئی آن حضرت نیز در نهایت به معنی

تکذیب کلی اوست. به خصوص آنکه تمام فرمایشات پیامبر گرامی، وحی خداوندی است.

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ.^۱

«و او از سر هوی و هوس سخن نمی‌گوید بلکه هرچه هست پیامی است که به او، وحی شده است.»

و از همین جهت است که منکرین ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به دلیل عدم قبول فرمان خدا و رسول، به کفر گراییدند. منکرین مهدی علیه السلام نیز در عصر غیبت، منکر سخنان حضرت ختمی مرتبت شده‌اند که از پیش خبر از وجود و غیبت او داده است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: القائم من ولدِي، اسمه اسمي، وكنيته كنيتي، وشمائله شمائلي، و سنته سنتي، يقيم الناس على مليتي و شريعتي، و يدعوهم إلى كتاب ربي عز و جل، من أطاعه، فقد أطاعني، و من عصاه، فقد عصاني، و من أنكره في غيبته، فقد أنكرني.^۲

«قائم علیه السلام از فرزندان من می‌باشد. نام او نام من، و کنیه او کنیه من و چهره‌اش به مانند چهره من، و سنت و روش او همان سنت من است. او مردم را بر آیین و شریعت من استوار می‌گرداند، و آنان را به سوی کتاب پروردگار من که عزیز و بلند مرتبه است فرا می‌خواند. هر که از او فرمان برد به تحقیق که از

۱- نجم / ۳.

۲- کمال الدین ۲ / ۴۱۱.

من فرمانبرده است. و هر کس او را نافرمانی کند، به راستی که مرا نافرمانی کرده و هر آنکه در دوران غیبتش، وجود او را انکار کند، در واقع مرا انکار نموده است».

قال الصادق علیه السلام: مَنْ أَقَرَّ بِالْأَيْمَةِ مِنْ آبَائِي وَ وُلْدِي وَ جَحَدَ الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي، كَانَ كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَحَدَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.^۱

«هر آن کس که به امامت پدران من و فرزندانم، اعتراف نماید، اما وجود مهدی علیه السلام که از فرزندان من است را منکر شود، مانند کسی است که به نبوت تمام پیامبران اقرار نموده است، اما نبوت و رسالت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را انکار کرده باشد».

یعنی مانند کسی است که بشارت‌های تمام انبیاء به آمدن و لزوم پیروی از رسول خاتم را انکار و تکذیب کرده است. چرا که او نیز، سخنان پیامبر و ائمه علیهم السلام درباره مهدی علیه السلام را انکار نموده است.

چرا غیبت

۱. عدم تعهد در مقابل سرکشان:

قال أمير المؤمنين عليه السلام: إنَّ القائمَ مِنَّا إذا قامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي
عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، فَلِذَلِكَ تَخْفِي وِلادَتُهُ وَ يَغِيبُ شَخْصُهُ.^۱

«به راستی که وقتی قائم ما قیام کند، برای هیچ کسی، تعهدی بر
عهده او نیست، پس به همین دلیل [دوری از تعهد به طواغیت]
است که ولادت او پنهان و شخص او غایب است».

با نگاهی به تاریخ اسلام در می یابیم که تمام ائمه معصومین عليهم السلام که
حضور عادی در بین مردم داشتند، به واسطه عدم آمادگی مردم برای
قیام بر علیه ظلم و حکومت های جائر و نیز وجوب حفظ اقتدار و
حیات امت اسلامی، مجبور بودند تا نسبت به حکومت های وقت

خود، تعهد و التزام بسپارند و آن را رعایت کنند تا جایی که می‌بینیم حتی حضرت سیدالشهداء، حسین بن علی علیه السلام نیز در طول ده سال همزمانی امامتش با طاغوت زمانش، معاویه، بر علیه او به قیام اقدام نکرد و آن هنگام هم که بر علیه یزید علیه اللعنة، قیام نمود، نسبت به او تعهد و بیعتی نداشت، اکنون امام زمان علیه السلام نیز زمانی می‌تواند به قیام جهانی و برچیدن نظامات ظالمانه دست بزند که دست بسته این حکومتها و تعهد به آنها نباشد و هیچ پیمان و یا کنوانسیونی او را متعهد و محدود نکند، آنچنانکه امروز خود ما پابند و محدود به این امور هستیم.

با توجه به این واقعیت است که خود آن جناب می‌فرماید:

إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَعْتُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةً لِبَطَاغِيَةِ
زَمَانِهِ. وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيتِ
فِي عُنُقِي.^۱

«واقعیت آن است که هیچ‌یک از پدرانم نبودند مگر آنکه تعهد و بیعتی از طاغوت زمان خود بر عهده داشتند، اما من هنگامی که قیام کنم هیچ پیمانی نسبت به هیچ سرکشی، بر عهده نخواهم داشت».

۲. آزمایش عمومی:

قال الكاظم علیه السلام: يَا بُنَيَّ! إِذَا فَقَدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ مِنَ
الْأَيِّمَةِ فَاللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ. فَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ

غَيْبَةَ يَغِيبُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ. يَا بُنَيَّ!
 إِنَّمَا هِيَ مِخْنَةٌ مِنَ اللَّهِ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ.^۱

«ای پسر! هنگامی که پنجمین امام از فرزندان امام هفتم از سلسله امامان، ناپدید شود، پس شما را به خدا که در مورد حفظ دینتان، تقوای الهی پیشه کنید، زیرا صاحب این امر [امامت] را غیبتی خواهد بود که در اثر آن، بسیاری از معتقدین به امامت از این عقیده دست بکشند.

ای پسر! قطعاً این غیبت آزمونی است از طرف خداوند که مردم را با آن می‌آزماید».

۳. بیم جان:

قال الكاظم عليه السلام: القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله عز وجل و يملأها عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً، هو الخامس من وُلدي. له غيبة يطول أمدها خوفاً على نفسه.^۲

«قائمی که خدای عزیز و بلند مرتبه، بواسطه او زمین را از دشمنانش پاک می‌گرداند و آن را پر از عدل می‌کند، همانگونه که از بیداد و ستم پر شده، او پنجمین از فرزندان من می‌باشد، او دارای غیبتی است طولانی که در آن حال بر جان خویش بیمناک است».

حفظ جان از خطرات مهلک و نابود کننده، از واجبات اولیه دین

۱ - غيبة الطوسی / ۱۶۶ و ۳۳۷، الکافی / ۱ / ۳۳۶، کمال الدین / ۲ / ۳۵۹ و ۳۶۰

کافیة الأثر / ۲۶۴ و ۲۶۵.

۲ - کمال الدین / ۲ / ۳۶۱، کافیة الأثر / ۲۶۵ و ۲۶۶.

است و تنها در جایی از آن صرف نظر می شود که خطر، اساس دین یا کشور اسلامی و یا نوامیس مسلمانان را تهدید کند و در این صورت است که حتی ایثار جان و بذل آن واجب می شود، اما در جایی که از دست دادن جان نه تنها موجب حفظ دین و مهمات آن نمی شود بلکه اهداف و کیان آن را در معرض نابودی قرار می دهد، بر مسلمان لازم است به خاطر واجب مهمتر یعنی حفظ دین، جان خود را از آسیب محفوظ نگهدارد، و این درست همان شرایط موجود برای حضرت ولی عصر علیه السلام است، چراکه او ذخیره خدا و باقیمانده سلف صالح است که برای استقرار عدالت جهان گستر، مأمور است و در صورتی که شرایط قیام او فراهم نباشد، ظهور و پیا خواستن او ثمره ای جز مرگ او و بی سرپرستی تشریحی و تکوینی مسلمانان و انقراض اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله نخواهد داشت و این یعنی نقض غرض خداوند از نزول دین اسلام به عنوان آخرین دستورالعمل آسمانی، چراکه در صورتی هدف نزول دین محقق می شود که به طور کامل در جامعه بشری نفوذ و استقرار پیدا کرده و به تمام اهداف بلند خود دست یابد و این همان وعده تخلف ناپذیر الهی است که فرمود:

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ.

«او اراده کرده است که اسلام بر تمام ادیان غلبه پیدا کند.»

بنابراین صحیح نیست که بیم از جان نسبت به حضرت مهدی علیه السلام، یک خوف شخصی تلقی شود و بگوییم مگر شرف شهادت برای او چه عیبی دارد که از آن می گریزد!

چراکه او فرزند رشید همان ائمه اطهار علیهم السلام است که در راه دین تا

پای جان ایستادند، و لکن بی جا، جانفشانی کردن غیر حکیمانه است، همانگونه که امام حسن مجتبی علیه السلام نیز به همین دلیل که می دید اصرار بر نبرد با معاویه ستمگر، نتیجه ای جز مرگ بی ثمر خود و خاندان نبوت نخواهد داشت، پیمان مصلحت آمیز صلح را پذیرفت ولی امام حسین علیه السلام وقتی دید که مرگ او بی ثمر نخواهد بود به جانفشانی اقدام نمود.

مهدی علیه السلام نیز به هنگام فراهم شدن شرایط قیام الهی خود از هیچ تلاشی کوتاهی نمی کند، حتی تا پای جان!

۴. عدم آمادگی مردم:

قال المهدی علیه السلام: لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.^۱

«اگر پیروان ما - که خداوند بر فرمانبرداری از خویش، توفیقشان دهد - همگی یکدل بر پیمان خود با ما، وفادار می بودند، برکت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی افتاد و با دیدار همراه با معرفت حقیقی ما، خوشبختی به سوی آنها شتاب می گرفت!»

آنچه در این جا ذکر شد، اشاره ای بود به برخی از حکمت های غیبت و نه تمام آنها، علاوه آنکه در برخی نصوص علت اصلی غیبت امری پنهان عنوان شده است که تا پس از ظهور، روشن نخواهد شد. اما افسوس که این یکدلی و وفاداری کمتر در ما یافت می شود.

عنوان هشتم

چگونگی بهره‌مندی مردم از امام عصر علیه السلام در زمان غیبت

قال المهدی علیه السلام: أَمَا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ
بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ.^۱

«اما چگونگی بهره‌مندی از وجود من در عصر غیبتم به‌مانند بهره‌جستن از خورشید است، آن هنگام که ابر، آن را از دیده‌ها پنهان می‌کند.»

همانطور که در عنوان نخست کتاب بیان شد، یکی از مراحل حضور امام علیه السلام، حضور علمی و مرحله دیگر حضور ولایی آن حضرت است و مقصود از حضور علمی آنجناب، بهره‌مندی مردم سخنان نورانی او و پدران معصومش می‌باشد و مراد از حضور ولایی حضرتش احاطه اوست به احوال شیعیان و دستگیری از آنان با وسائط مختلف.^۲

۱ - کمال الدین ۲ / ۴۸۵، غیبة الطوسی / ۲۹۲.

۲ - برای توضیح افزونتر به عنوان نخست مراجعه نمایید.

به این معنا که همانگونه که نفع خورشید در پشت ابر، غیر مستقیم
به مردم می‌رسد، بهره وجود امام غایب نیز به شکل غیر مستقیم و از
طریق ابزار و وسایل گوناگون نصیب مردم می‌گردد.

توجهات امام عصر علیه السلام به شیعیان

قال المهدي عليه السلام: إنا غير مهملين لمراعاتكم ولا ناسين لذكركم. ولولا ذلك، لنزل بكم اللأواء واضطلمكم الأعداء.^۱

«همانا در مراعات حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم، و اگر جز این بود، هرآینه سختیها بر شما فرودمی آمد و دشمنان، تار و مارتان می‌ساختند.»

منصرف ساختن دلهای دشمنان، عطف نظرهای رحیمانه به شیعیان، مبتلا ساختن دشمنان شیعه به یکدیگر، از جمله عنایات خاص امام عصر علیه السلام است نسبت به پیروان خویش.

انتظارِ فرج

قال رسول الله ﷺ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ.^۱

«برترین عبادت انتظار فرج است.»

انتظار فرج یعنی امید به لطف خداوندی و نزول نصرت الهی و قبول و تسلیم در برابر خواست حکیمانه پروردگار و عبادت نیز چیزی جز شناخت خدای سبحان و اطاعتِ همراه با تسلیم حقیقی و رضایت باطنی نیست و البته هرچه مراتب این رضایت بیشتر باشد، عبادت نیز کامل‌تر خواهد بود.

و به راستی کدامین تسلیم، برتر از تن دادن به غیبت حجّت الهی و در عین حال فرمانبردار بودن از او!
آری به همین جهت است که انتظار، افضل اعمال و عبادات شمرده

۱ - کمال الدین ۱ / ۲۸۷، فرائد السمطين ۲ / ۳۳۵.

شده است، زیرا عملی است دشوار و عبادتی است از سر معرفت و تسلیم.

قال أمير المؤمنين عليه السلام: **إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ. فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ.**^۱

«انتظار فرج [گشایش] داشته باشید و از رحمت خداوندی، ناامید نشوید، چرا که دوست داشتنی‌ترین کار در نزد خداوند عزیز و بلند مرتبه، انتظار فرج داشتن است تا هنگامی که بنده مؤمن، به آن پایبند باشد.»

قال السجّاد عليه السلام: **إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ.**^۲
«انتظار فرج داشتن، از بزرگترین گشایشها است.»

امید به گشایش، خود محرّکی است برای تلاش و قوّت قلبی است برای تحمل سختی‌ها و بدیهی است کسی که از سویی بتواند دشواریها را تحمل نماید و از سوی دیگر اهل تلاش و اجتهاد باشد، در زندگی خویش بهره‌ای وافر از گشایش و فرج خواهد داشت.

قال الصادق عليه السلام: **مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُتَظِرّاً كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي الْفُسْطَاطِ الَّذِي لِلْقَائِمِ عليه السلام.**^۳
«هر آن‌کس که از شما در حال انتظار [ظهور مهدی عليه السلام]، بر

۱ - الخصال ۲ / ۶۱۶.

۲ - الاحتجاج ۲ / ۱۵۴، کمال الدین ۱ / ۳۲۰.

۳ - غيبة النعمانی / ۲۰۰.

آیین تشیع اهل بیت بمیرد، به مانند کسی است که در سراپرده قائم علیه السلام به سر می برد».

قال الجواد علیه السلام: إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبِهِ وَ يُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِي.^۱

«همانا قیام کننده از ما [اهل بیت]، مهدی علیه السلام است که واجب است در دوران غیبت او، انتظارش را بشکند و بهنگام ظهورش، فرمانش را اطاعت کنند و او همان سومین از فرزندان من است».

قال الصادق علیه السلام: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ، كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا؛ هَنِيئاً لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ!^۲

«هر آنکه دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد، بایستی که منتظر باشد و بر اساس پارسایی و فضایل اخلاقی و به حالت فرد منتظر، رفتار کند. پس اگر پیش از آنکه قائم علیه السلام قیام کند، از دنیا برود، پاداش او به مانند کسی است که قائم را درک کرده است. بنابراین تلاش کنید و منتظر باشید که [این رحمت الهی] گوارایتان باد، ای جماعت مورد رحمت».

بله انتظار تلاشی است امیدوارانه به رحمت حق و تسلیمی است رضایتمندانه در برابر خواست خداوند و نه دست بردن نهادن و از کوشش اصلاحی روی گرداندن.

۱ - کمال الدین ۲ / ۳۷۷.

۲ - غیبة النعمانی / ۲۰۰.

آمادگی برای یآوری امام عصر علیه السلام

یاری دین خدا از اهم واجبات شرعی و عقلی است و امام عصر علیه السلام مبین تام اسلام و خود سمبل کامل دین الهی است، فلذا آمادگی برای نصرت او واجب و ضروری است و به راستی چطور ممکن است منتظر فرج بود ولی برای یاری آن حضرت و استقرار عدالت به دست او حاضر نبود؟!

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [اکنون] صبر داشته باشید و استقامت بورزید و آماده باشید و از خدا پروا کنید، شاید که [بدین گونه] رستگار [سعادت‌مند] شوید».

پیشوای پنجم، امام باقر علیه السلام، این آیه را اینگونه تفسیر کردند:

إصْبِرُوا عَلَىٰ آدَاءِ الْفَرَايِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَ رَابِطُوا
إِمَامَكُمْ الْمُتَنَتِّظِينَ^۱

«در انجام واجبات و وظایف، صبر داشته باشید و در مقابل
دشمنانتان، استقامت بخرج دهید و در [خدمتگزاری] به امامتان
که انتظارش را می‌کشید، آماده باشید».

خدمتگزاری به امام عصر علیه السلام

قال الصادق علیه السلام: لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.^۱

«امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر او [مهدی علیه السلام] را درک می‌کردم، تمام عمرم را به او خدمت می‌کردم.»

خدمت به آنجناب تنها مختص به عصر ظهور نیست بلکه تلاش برای اجرای دین خدا و منویات شریف او در عصر غیبت و اشاعه فرهنگ مهدویت و کوشش برای جلب قلوب مردم به آن حضرت و دادن صدقه و دعا کردن برای سلامتی و تعجیل در فرج آن بزرگوار، نیز از مصادیق خدمت به امام مهدی علیه السلام است.

علاوه آنکه خدمت به امام عصر علیه السلام مصداق نصرت دین و واجب بین است.

عنوان سیزدهم

علاقه به امام زمان علیه السلام

پیشوای یازدهم، حضرت ابومحمد، امام عسکری علیه السلام، خطاب به
فرزند بزرگوارش مهدی علیه السلام فرمودند:

وَ اعْلَمْ أَنَّ قُلُوبَ أَهْلِ الطَّاعَةِ وَ الْإِخْلَاصِ تُزَعُّ إِلَيْكَ مِثْلَ
الطَّيْرِ إِلَى أَوْكَارِهَا.^۱

«آگاه باش که دلهای مردم اهل اطاعت و اخلاص، به مانند
پرنده‌ای که به سوی آشیانه‌اش پرواز می‌کند، به سوی تو پر
می‌کشد.»

مهدی علیه السلام از خاندان عصمت و پاکی است، او مجسمه تمام فضایل
انسانی - الهی است، او واسطه فیض خداوند است برای تمام آفریدگان.

علاقه به امام زمان علیه السلام □ ۷۳

پس اشتیاق به او اقتضای فطرت پاکی خواه و زیبا دوست بشری
است و علاقه به او، عشق به تمام خوبیهاست!

عنوان چهاردهم

غم و اندوه در هجران امام عصر علیه السلام

قال الرضا عليه السلام: كَمْ مِنْ حَرَى مُؤْمِنَةٍ، وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ
حَرَانٍ حَزِينٍ عِنْدَ فِقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ.^۱

«چه بسیار زن و مرد مؤمن و تشنه‌ای که به هنگام ناپیدایی آب
روان، تأسف می‌خورند و محزونند».

این کلام حضرت رضا علیه السلام، اشاره است به آیه ۳۰ از سوره مبارکه
ملک و تطبیق آن بر وجود نازنین امام زمان علیه السلام.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ.^۲
«ای پیامبر! بگو چه می‌اندیشید اگر آب شما در زمین فرو رود،
پس کیست آنکه آبی روان برای شما بیاورد».

۱- کمال الدین ۲ / ۳۷۱.

۲- الملک / ۳۰.

تطبیق مصداق این آیه بر حضرت مهدی علیه السلام در روایات دیگری نیز توسط امامان معصوم علیهم السلام بیان گردیده است که می‌توانید برخی از آن کلمات را در کتاب کمال الدین شیخ صدوق ملاحظه فرمایید. از این رو در کمال حزن و اندوه، خطاب به حضرت حق، ناله می‌کنیم که:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا وَ غَيَّبَ وَلِيَّنَا. ^۱

«خداوندا! از نبود پیامبرت در بین ما و غیبت اماممان، به تو شکایت می‌آوریم.»

گریه در فراق محبوب

قال الصادق عليه السلام: أما والله ليغيبن سبتاً من دهركم و ليخملن حتى يقال: مات! هلك! بأي واد سلك؟! و لتدمعن عليه عيون المؤمنين.^۱

«آری به خدا سوگند که او زمانی از روزگار شما راه غایب خواهد شد و از خاطره‌ها خواهد رفت، تا جاییکه گویند: او مرده است، نابود شده است! به کدام سرزمین رفته؟! و در این حال، چشمان مردم مؤمن بر او اشک می‌ریزد».

ریزش اشک از دیدگان، بیانگر اوج تعلق خاطر و رقت قلب نسبت به محبوب است و آنکه به فراق محبوبش گرفتار است، افزونتر می‌گیرد خاصه آنکه محبوب او، حجت پاک الهی و وارث تمام انبیاء

و اوصیا باشد.

گریه در فراق مهدی علیه السلام، نشان دهنده ایمان به او و امید به فرجش می باشد و به همین جهت است که این اشک دارای ارزش است.

ارزش حفظ دین در عصر غیبت

قال رسول الله ﷺ: يا عليُّ، إِنَّ أُعْجَبَ النَّاسِ إِيْمَانًا وَ
أَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ
حُجِبَتْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ.^۱

«ای علی، عجیب‌ترین مردم از نظر ایمان، و والاترین آنها از
جهت یقین، مردمی هستند از اهل آخر الزمان، که پیامبر خود را
ندیده‌اند و حجت الهی نیز از آنها پوشیده است ولی آنان به
واسطه سیاهی بر روی سپیدی ایمان می‌آورند.»

سیاهی مرکب بر روی کاغذ سفید، پیام رسانِ دعوت رسول
خدا ﷺ و ائمه معصومین است به ایمان آوردن به حقایق آسمانی
اسلام و گویا آن مردم ما هستیم که معارف خود را از درون کتابها به

دست می آوریم.

قال الصادق عليه السلام: إن لصاحب هذا الأمر غيبته فليتيق الله عبداً
وَلِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ.^۱

«به راستی که برای صاحب این امر [امامت]، غیبتی خواهد بود، بنابراین بنده باید [در حفظ ایمان خود] از خدا پروا کند و پایبند دینش باشد».

از این عبارت استفاده می شود که حفظ دینداری در عصر غیبت، کاری آسان نیست و نیازمند توجه مستمر به خدا و مراقبت ویژه در تمسک به معارف و دستورات دین است، چرا که هرگونه سهل انگاری در آن، قدمی است که آدمی را از دین و آئینش دور می سازد.

قال الكاظم عليه السلام: طوبى لشيعةنا المتمسكين بحبلنا في غيبة
قائمنا الثابتين على مواليتنا و البراءة من أعدائنا. أولئك منا و
نحن منهم. قد رضوا بنا أئمة و رضينا بهم شيعة. فطوبى لهم!
ثم طوبى لهم! هم والله معنا في درجاتنا يوم القيامة.^۲

«خوشا به حال پیروان ما که به هنگام غیبت قائم ما، به ریسمان ولایت ما چنگ می زنند و بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما، ثابت قدم هستند، آنان از ما هستند و ما نیز از آنان هستیم. آنان به پیشوایی ما رضایت دادند و ما هم به پیروی آنها راضی شدیم، پس خوشا به حال آنان، و با زهم خوشا به حال آنان! به خدا

۱ - الکافی ۱ / ۳۳۵ و ۳۳۶، غیبة الطوسی / ۴۵۵، غیبة النعمانی / ۱۶۹.

۲ - کمال الدین ۲ / ۳۶۱، کفایة الأثر / ۲۶۵ و ۲۶۶.

سوگند که آنان در روز قیامت همراه ما و در درجات ما هستند». و این همه رحمت برای آنست که در آخر الزمان، از هر سو فتنه‌ها و شبهات به مؤمنین هجوم می‌آورد و اسباب دور شدن آنها را از عقاید درست و تقوای راستین فراهم می‌کند. و برای حفظ دین و ثبات آن در قلب از حضرت صادق علیه السلام دستور است که این دعا را در دوران غیبت بخوانند:

یا الله یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ! یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ! ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَى
دِينِكَ.^۱

«ای خدایا، ای رحمان، ای رحیم! ای دگرگون کننده دلها! قلب مرا بر ایمان به دین خودت ثابت نگه‌دار».

عنوان هفدهم

درخواست از خدا، برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام

دعا و درخواست از خداوند متان بزرگترین سلاح مؤمنین است که در راحتی و گرفتاری از آن غفلت نباید نمود.

در متون دینی به ما آموخته‌اند که تمام حوائج خودتان را از خدا بخواهید، حتی نمک غذا و بند کفشتان را، و این همه به خاطر آن است که بدانیم تمام خزائن آسمان و زمین از آن خداست و تنها باید از او خواست و امید اجابت از سوی او را داشت و خداوند نیز به لطف خود، درخواست‌های بندگان را می‌پذیرد و پاسخ می‌دهد، خاصه از آنکه دعایش در حق ولی و حجت خدا و به جهت بهره‌مندی خود و دیگران از وجود ذی جودش دست به دعا بردارد، و به راستی کدام دعا افضل از درخواست تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام است که در واقع درخواست تعجیل در ظهور عدل و استقرار عدالت در روی زمین و پیروزی نهایی حق و گسترش آیین توحید در تمام گیتی است!

قال العسکریؑ: والله لیغیبَنَّ غیبةً لا ینجوا فیها من الهلکة
إلا من ثبته الله عزَّ و جَلَّ علی القولِ بِإمامتهِ و وفَّقه للدُّعاءِ
بِتَعْجیلِ فرَجِهِ.^۱

«بخدا قسم که قطعاً غیبتی خواهد نمود که همگان در آن به
هلاکت می‌افتند مگر آن کس که خداوند بر اعتقاد به امامت او،
استوارش گرداند و توفیق دعا کردن برای تعجیل در فرج او را
نصیبش نماید».

قال المهدیؑ: وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجیلِ الفَرَجِ. فَإِنَّ ذَلِكَ
فَرَجُكُمْ.^۲

«و بسیار برای تعجیل در فرج دعا کنید، چرا که همان دعا،
گشایش امور شماست».

زیرا دعا برای فرج، انجام وظیفه و سبب رسیدن آن و مایه قوت قلب
مؤمنین است.

۱ - کمال الدین ۲ / ۳۸۴.

۲ - کمال الدین ۲ / ۴۸۵، غیبة الطوسی / ۲۹۲ و ۲۹۳.

حتمی بودن قیام مهدی علیه السلام

قال رسول الله ﷺ: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ، لَبَعَثَ اللَّهُ
رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا.^۱

«اگر تنها یک روز از عمر روزگار هم مانده باشد، خداوند مردی از
خاندان مرا برخواهد انگیخت که زمین را از عدل پر نماید، آنگونه
که از ستم پر شده باشد».^۲

امام رضا علیه السلام فرمود:

يَا دِعْبِلُ، الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدٌ ابْنِي. وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ. وَ
بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ. وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُتَّظَرُّ

۱ - سنن ابی داود ۴ / ۱۰۷.

۲ - این مضمون در بسیاری از روایات باب مهدویت آمده تا جایی که از اشهر
متواترات شمرده می شود و از ضروریات عقاید امامیه و بلکه جمیع مسلمین است.

فِي غَيْبِهِ، الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ. لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ
وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأُ
الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ جَوْرًا.

«ای دعبل، امام بعد از من، پسر من محمد است و بعد از او،
فرزندش علی است و پس از علی فرزندش حسن خواهد بود و
پس از حسن، فرزندش حجت قائم است که در دوران غیبتش،
انتظارش کشیده می شود و به هنگام ظهورش مورد اطاعت واقع
می گردد.»

اگر تنها یک روز هم از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند عزیز و
بلند مرتبه، آن روز را چنان طولانی می کند که او قیام نماید و
زمین را که از ستم پر شده باشد، از عدل پر نماید.»

توجه داریم که مقصود از این بیانات، قطعیت و حتمی بودن قیام
حضرت مهدی عجل الله فرجه است و نه مصادف بودن الزامی زمان قیام با آخرین
روز حیات این دنیا!

جهان شمول بودن حکومت مهدی علیه السلام

بشر تا کنون حکومت‌های بزرگ و گسترده‌ای را در تاریخ خود شاهد بوده است، اما هیچکدام از آنها بر تمام کرهٔ خاک سیطره نداشته‌اند بلکه هر کدام در بخشی از زمین دارای اقتدار بوده‌اند، ولی یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد حکومت مهدی علیه السلام آن است که تمام زمین را در بر می‌گیرد و هیچ نقطه‌ای از استیلای آن بدور نمی‌ماند و او یک حاکمیت جهان شمول را از طرف خداوند قدیر، دارا خواهد شد و در پرتو تفضلات خاص خدایی آن را در نهایت استحکام و عدالت، اداره می‌کند.

قال رسول الله ﷺ: إِنْ خَلْفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ حُجَجَ اللَّهِ عَلَيَّ الْخَلْقِ بَعْدِي لَأَثْنَا عَشَرَ. أَوْلَهُمْ أُخِي. وَ آخِرُهُمْ وَلَدِي.
قيل: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَنْ أُخُوكَ؟ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. قِيلَ: فَمَنْ وَلَدُكَ؟ قَالَ: الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا

مُلِثْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا، لَوْلَمْ يَبْقَ
 مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ
 وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ،
 وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ
 الْمَغْرِبَ.^۱

«همانا جانشینان و اوصیای من و حجّت‌های خداوند بر خلق،
 پس از من دوازده نفر هستند. اولین آنها برادرم و آخرینشان
 فرزندم می‌باشد. گفته شد: ای رسول خدا! برادرت کیست؟ فرمود:
 علی بن ابی طالب. گفته شد: و فرزندت کیست؟ فرمود: همان
 مهدی که زمین را پس از آنکه از بیداد و ستم پر شده باشد، از
 عدل و داد پر می‌نماید. و به آن کس که به حق مرا به عنوان
 بشارت دهنده برانگیخت، اگر تنها از عمر دنیا یک روز هم باقی
 مانده باشد، قطعاً خداوند آن را چنان طولانی می‌کند تا فرزندم
 مهدی در آن قیام کند و سپس عیسی بن مریم از آسمان فرود آید
 و در پشت سر او به نماز بایستد، و زمین به نور پروردگارش
 روشن گردد^۲ و سیطره حکومتش، شرق و غرب جهان را فرا
 گیرد».

۱ - فرائد السمطين ۲ / ۳۱۲.

۲ - مقصود از روشن شدن زمین به نور پروردگارش یا روشنی آن از طریق
 گسترش و استیلای عدالت در آن است و یا مراد ظهور نور ملکوتی وجود امام علیه السلام که
 فضای زمین را منور می‌کند و شاهد رجحان این احتمال روایتی است که در عنوان
 بعدی از امام رضا علیه السلام نقل می‌شود.

مقصود از طولانی شدن آن روز این است که اگر به فرض فقط یک روز هم از عمر دنیا مانده باشد، ظهور محقق می شود نه آنکه حتماً روز ظهور، آخرین روز دنیا است و این تعبیر کنایه از قطعی بودن ظهور و قیام مهدی علیه السلام و استقرار عدالت جهانی به دست اوست.

چگونگی حکومت امام زمان علیه السلام

قال أمير المؤمنين عليه السلام: يَعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ. وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ.^۱

«هوی و هوسها را به هدایت و راه راست بر می‌گرداند، در آن هنگام که هدایت را به هوسها آلوده‌اند، و تفسیرهای غلط و براساس آراء نادرست را به تفسیر صحیح از قرآن باز می‌گرداند، در آن هنگام که قرآن را بر اساس رأی خودشان تفسیر کرده‌اند.»
یعنی او قرآن را آنچنانکه هست، تفسیر می‌کند و تفسیر به رأی را از بین می‌برد.

قال الصادق عليه السلام: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام، حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي

أَيَّامِهِ الْجَوْرُ، وَ أَمِنَتِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينَ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ.^۱

«در آن هنگام که قائم علیه السلام، قیام کند، بر اساس عدل حکم می‌کند و در روزگار او ستم از بین می‌رود، و راهها امنیت پیدا می‌کند و زمین گنجینه‌های بابرکت خویش را آشکار می‌سازد، و هر حقی به اهلش برگردانده می‌شود، و هیچ کسی از پیروان دیگر ادیان باقی نمی‌ماند مگر آنکه به اسلام می‌گردد و اقرار به ایمان می‌کند».

زیرا مهدی علیه السلام با ارائه کامل حق و حقیقت، حجت را بر اهل ادیان دیگر تمام می‌کند و شکها را زایل می‌نماید.

قال الرضا علیه السلام: الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُظْهِرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ يُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ. وَ هُوَ الَّذِي يَشُكُّ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ. وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا.^۲

«چهارمین فرزند از نسل من، پسر بانوی کنیزان است، که خداوند به واسطه او زمین را از هرگونه ستمی پاک می‌کند و از هر ظلمی پیراسته می‌نماید. و او کسی است که مردم در ولادت او تردید

۱ - کشف الغمه ۳ / ۲۵۵.

۲ - فرائد السمطين ۲ / ۳۳۶.

می نمایند. و او دارای غیبتی است قبل از قیامش، پس هنگامی که قیام می کند، زمین از نور وجودش، روشن می شود و ترازوی عدالت را در بین مردم قرار می دهد و بدین سبب دیگر هیچ کسی به دیگری ستم روا نمی دارد».

خداوندا! از تو می خواهیم که ما را از یاران صدیق آن حضرت قرار دهی و توفیق زندگی در عصر طلایی او را نصیبمان گردانی و در غیبت و حضورش، ما را توفیق خدمت به او عنایت فرمایی.

وَ السَّلَامُ عَلٰی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰی

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چ دوم، دار احیاء
الکتب العربیة - مصر، ۱۳۵۸ هـ
- ۳- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی (۲۷۵ هـ).
- سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، دار احیاء التراث العربی - بیروت،
۱۳۹۵ هـ
- ۴- ابن خلکان، احمد بن محمد (۶۸۱ هـ).
- وفیات الاعیان، تحقیق احسان عباس، رضی - قم، ۱۳۶۴ هـ
- ۵- ابن الصبّاح، علی بن محمد بن احمد مالکی (۸۵۵ هـ).
- الفصول المهمّة، اعلمی - تهران.
- ۶- ابوداود، سلیمان بن الأشعث السجستانی (۲۷۵ هـ).
- سنن ابی داود، تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید، دار احیاء السنّة النبویّة.

۷- اربلی، علی بن عیسیٰ بن ابی الفتح (۶۹۳ھ).

کشف الغمّة فی معرفة الائمة، تحقیق سید ہاشم رسولی، دار الکتب الاسلامی -

بیروت، ۱۴۰۱ھ

۸- امین عاملی، سید محسن (۱۳۷۱ھ).

اعیان الشیعه، تحقیق سید حسن امین، بیروت، ۱۴۰۳ھ

۹- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد اللہ (۴۰۳/۴۰۵ھ).

المستدرک علی الصحیحین، مکتبة النصیر الحدیثہ - ریاض.

۱۰- حموئی، ابراہیم بن محمد (۷۳۲ھ).

فرائد السمیطن، تحقیق محمد باقر محمودی.

۱۱- خزّاز، ابوالقاسم علی بن محمد (سده ۴ھ).

کفایة الاثر، تحقیق سید عبداللطیف حسینی، قم، ۱۴۰۱ھ

۱۲- سید رضی، محمد بن الحسین (۴۰۶ھ).

نہج البلاغہ، تحقیق صبحی صالح، ہجرت - قم.

۱۳- شبلنجی، سید مؤمن بن حسن (سده ۱۳ھ).

نور الابصار، قاہرہ.

۱۴- ۱۵ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویہ قمی (۳۸۱ھ).

- الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، جامعہ مدرسین - قم.

- کمال الدین، تحقیق علی اکبر غفاری، تہران، ۱۳۹۵ھ

۱۶- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب (سده ۶ھ).

الاحتجاج، تحقیق ابراہیم بہادری و محمد ہادی بہ، اسوہ - تہران، ۱۴۱۳ھ

۱۷- طبری، م حبّ الدین احمد بن عبد اللہ (۶۹۴ھ).

ذخائر العقبی، مکتبة القدسی - قاہرہ، ۱۳۵۶ھ

- ۱۸- طوسی، محمّد بن الحسن (۴۶۰ هـ).
کتاب الغیبة، تحقیق عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، مؤسسه المعارف
الاسلامیه - قم، ۱۴۱۱ هـ
- ۱۹- عسکری، الامام حسن بن علی علیه السلام (۲۶۰ هـ).
تفسیر الامام، تحقیق و نشر مدرسه الامام المهدي علیه السلام قم، ۱۴۰۹ هـ
- ۲۰- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۲۹۴ هـ).
ینابیع الموده، کاظمین و قم، ۱۳۸۵ هـ
- ۲۱- کلینی، م هـ حمّد بن یعقوب (۳۲۸ / ۳۲۹ هـ).
الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، اسلامیه تهران، ۱۳۸۸ هـ
- ۲۲- مفید، محمّد بن محمّد بن نعمان (۴۱۳ هـ).
الارشاد، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام - قم، ۱۴۱۳ هـ
- ۲۳- نعمانی، محمّد بن ابراهیم (سده ۴ هـ).
کتاب الغیبه، تحقیق علی اکبر غفاری، نشر صدوق - تهران.
- ۲۴- نوری، میرزا حسین (۱۳۲۰ هـ).
نجم ثاقب، مسجد حکمران - قم، ۱۴۱۲ هـ
- ۲۵- کامل سلیمان (معاصر).
روزگار رهایی (ترجمه يوم الخلاص).
- ۲۶- پور سید آقایی (معاصر).
تاریخ عصر غیبت.
- ۲۷- فرهنگ معین.